



دیپلماسی عمومی و گسترش روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با عراق

مؤلفان:

دکتر مهناز گودرزی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)

دکتر سید حمید سید تقی زاده

پژوهشگر و مدرس دانشگاه



انتشارات
دانشگاه امام صادق علیه السلام

عنوان: دیپلماسی عمومی و گسترش روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با عراق

مؤلفان: دکتر مهناز گودرزی و دکتر سید حمید سید تقی زاده

ناشر: دانشگاه امام صادق علیه السلام

صفحه آرا: رضا عبداللہی بجندی

نمایه ساز و ناظر نسخه پردازی و چاپ: رضا دیبا

چاپ و صحافی: چاپ سپیدان

چاپ اول: ۱۴۰۴ قیمت: ۳/۵۰۰/۰۰۰ ریال

شمارگان: ۵۰۰ نسخه شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۸۱-۰۸۶-۲

«این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است»

فروشگاه مرکزی: تهران: خیابان انقلاب، بین خیابان فخر رازی و خیابان دانشگاه، مجتمع پارسا، همکف، واحد ۳۰۲

تلفن: ۰۶۶۹۵۴۶۰۳ - تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۰۶۰۶۷۴۱۱

فروشگاه کتاب صادق: تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، ضلع شمالی دانشگاه

صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ کد پستی: ۰۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲

فروشگاه اینترنتی: <https://isupub.ir> • E-mail: pub@isu.ac.ir

سرشناسه: گودرزی، مهناز، ۱۳۶۰ -

عنوان و نام پدیدآور: دیپلماسی عمومی و گسترش روابط اقتصادی جمهوری اسلامی

ایران با عراق/مؤلفان مهناز گودرزی و سید حمید سید تقی زاده.

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۱۴۰۴.

مشخصات ظاهری: ۲۷۷ ص/ شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۸۱-۰۸۶-۲

موضوع: ایران -- روابط اقتصادی -- عراق

موضوع: عراق -- روابط اقتصادی -- ایران

شناسه افزوده: سید تقی زاده، سید حمید، ۱۳۶۳-

شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

رده بندی کنگره: HF ۱۵۸۶/۴ رده بندی دیویی: ۳۳۷/۵۵۰۵۶۷

شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۱۴۳۵۶۷

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از

جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی باشد.

این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

این کتاب برگرفته از رساله دکتری آقای سیدحمید سیدتقی‌زاده با عنوان
«تجزیه و تحلیل نقش دیپلماسی عمومی در روابط اقتصادی ایران با
عراق» بوده و کلیه حقوق معنوی آن متعلق به دانشگاه آزاد اسلامی واحد
اصفهان (خوراسگان) است.

فهرست اجمالی

سخن ناشر.....	۱۷
مقدمه	۱۹
فصل اول: دیپلماسی عمومی و گسترش همکاری های اقتصادی با کشور هدف ...	۲۷
فصل دوم: دیپلماسی عمومی عمومی ج.ا.ایران در قبال عراق نوین: ابعاد و مؤلفه ها ...	۷۳
فصل سوم: روابط اقتصادی ج.ا.ایران با عراق پساصدام	۱۱۷
فصل چهارم: دیپلماسی عمومی و تعاملات اقتصادی ج.ا.ایران با عراق.....	۱۶۵
نتیجه گیری و پیشنهادها	۲۲۱
فهرست منابع و مآخذ	۲۳۷
نمایه	۲۵۹

فهرست تفصیلی

سخن ناشر.....	۱۷
مقدمه	۱۹
فصل اول: دیپلماسی عمومی و گسترش همکاری های اقتصادی با کشور هدف ...	۲۷
مقدمه	۲۷
۱-۱. نقش مهم انگاره ها، هنجارها و ارزش های مشترک در روابط بین الملل	۲۸
۱-۲. هویت و منافع	۳۱
۱-۳. رفتارسیاست خارجی	۳۵
۱-۴. انگاره ها و هویت مشترک و همکاری های بین المللی	۳۶
۱-۵. تغییر در انگاره ها و تأثیر بر روند همکاری های بین المللی	۳۶
۱-۶. دیپلماسی عمومی، کاهش انگاره های متفاوت و تقویت هویت مشترک .	۳۸
۱-۷. انگاره ها، هویت مشترک و همکاری های اقتصادی خارجی	۴۲
۱-۸. پیامدهای شکاف اجتماعی و هویتی بر همکاری های اقتصادی با کشور هدف	۴۴
۱-۸-۱. آسیب «انگاره های اقتصادی متفاوت» به تعاملات اقتصادی	۴۵
۱-۸-۲. آسیب «انگاره های سیاسی متفاوت» به تعاملات اقتصادی	۴۹
۱-۸-۳. آسیب «انگاره های فرهنگی متفاوت» به تعاملات اقتصادی	۵۰
۱-۹. دیپلماسی اقتصادی و گسترش همکاری های اقتصادی	۵۳
۱-۱۰. دیپلماسی عمومی و توسعه تعاملات اقتصادی	۵۵

۱-۱۰-۱. دیپلماسی عمومی، تقویت «هویت اقتصادی مشترک» و توسعه همکاری‌های اقتصادی	۵۵
۱-۱۰-۲. دیپلماسی عمومی، تقویت «هویت سیاسی مشترک» و گسترش تعاملات اقتصادی	۵۹
۱-۱۰-۳. دیپلماسی عمومی، تقویت «هویت فرهنگی مشترک» و افزایش همکاری‌های اقتصادی	۶۵
۱-۱۱. فرایند تنظیم دیپلماسی عمومی در جهت گسترش تعاملات اقتصادی با کشور هدف	۶۸
جمع‌بندی	۷۰
فصل دوم: دیپلماسی عمومی عمومی ج.ا.ایران در قبال عراق نوین: ابعاد و مؤلفه‌ها ... ۷۳	
مقدمه	۷۳
۲-۱. دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی ج.ا.ایران	۷۵
۲-۲. سیاست خارجی ج.ا.ایران در عراق جدید از منظر سازه‌انگاری	۷۷
۲-۲-۱. دیپلماسی رسمی و روابط دیپلماتیک میان ج.ا.ایران و عراق	۷۸
۲-۳. دیپلماسی عمومی ج.ا.ایران در عراق جدید	۸۰
۲-۳-۱. مردم‌شناسی در عراق	۸۱
یک. ملت‌سازی و هویت ملی در عراق	۸۱
دو. بررسی جامعه‌شناسانه عراق	۸۳
۲-۳-۲. منابع دیپلماسی عمومی ج.ا.ایران در عراق	۸۵
یک. منابع سیاسی	۸۶
دو. منابع فرهنگی	۸۶
سه. منابع اقتصادی	۸۶
۲-۳-۳. ابزارهای دیپلماسی عمومی ج.ا.ایران در عراق	۸۷

یک. دیپلماسی رسانه‌ای	۸۷
دو. دیپلماسی خطابتی	۸۸
سه. کمک‌های توسعه‌ای	۸۹
چهار. تعاملات نخبگانی و شهروندی	۸۹
پنج. تعاملات علمی-آموزشی	۹۰
شش. آموزش زبان فارسی	۹۱
۴-۳-۲. انواع دیپلماسی عمومی ج.ا.ایران در عراق	۹۱
یک. دیپلماسی عمومی سیاسی	۹۲
دو. دیپلماسی عمومی فرهنگی-اجتماعی	۹۶
سه. دیپلماسی عمومی اقتصادی	۱۰۹
جمع‌بندی	۱۱۵
فصل سوم: روابط اقتصادی ج.ا.ایران با عراق پس‌اصدام	۱۱۷
مقدمه	۱۱۷
۱-۳. وضعیت اقتصادی عراق	۱۱۸
۲-۳. روابط اقتصادی ج.ا.ایران و عراق پس از سقوط صدام	۱۲۰
۱-۲-۳. روابط تجاری ج.ا.ایران و عراق	۱۲۱
۲-۲-۳. روابط ج.ا.ایران و عراق در حوزه سرمایه‌گذاری	۱۲۵
۳-۲-۳. روابط ج.ا.ایران و عراق در حوزه حمل‌ونقل	۱۲۶
۴-۲-۳. مبادلات پولی دوجانبه در روابط ج.ا.ایران و عراق	۱۲۸
۵-۲-۳. تعاملات ج.ا.ایران و عراق در حوزه صنعت بیمه	۱۳۰
۶-۲-۳. همکاری‌های ج.ا.ایران و عراق در بخش انرژی	۱۳۲
۷-۲-۳. ج.ا.ایران، عراق و صنعت گردشگری	۱۳۵
۳-۳. جایگاه منافع عینی در روابط اقتصادی ج.ا.ایران و عراق	۱۳۷

- ۳-۴. موانع اجتماعی و هویتی در تعاملات اقتصادی ج.ا.ایران و عراق ۱۳۹
- ۱-۴-۳. انگاره‌های اقتصادی متفاوت، چالش در هویت اقتصادی مشترک و آسیب به تعاملات اقتصادی ۱۳۹
- یک. خلأ الگو و نظام اقتصادی مشخص در عراق ۱۳۹
- دو. تفاوت در اخلاق کسب و کار تجار و فعالان اقتصادی عراقی ۱۴۱
- سه. تفاوت در سبک زندگی اقتصادی مردم عراق ۱۴۳
- ۲-۴-۳. انگاره‌های فرهنگی متفاوت، چالش در هویت فرهنگی مشترک و آسیب به تعاملات اقتصادی ۱۴۶
- یک. تفاوت‌های قومی - نژادی و شکاف‌های عرب و عجم ۱۴۶
- دو. چالش‌های مذهبی به واسطه گرایش‌های رادیکال شیعی و وهابی و چالش‌های شیعی - سنی ۱۴۸
- سه. تفاوت‌های زبانی ۱۵۰
- ۳-۴-۳. انگاره‌های سیاسی متفاوت، چالش در هویت سیاسی مشترک و آسیب به تعاملات اقتصادی ۱۵۱
- یک. دیدگاه‌های ایران‌هراسانه ناشی از دیپلماسی عمومی کشورهای رقیب در عراق ۱۵۲
- دو. گرایش‌های واگرایانه احزاب و گروه‌های عراقی مخالف با ج.ا.ایران ... ۱۵۷
- سه. تجارب تاریخی منفی نظیر جنگ تحمیلی رژیم بعثی علیه ج.ا.ایران .. ۱۶۰
- جمع‌بندی ۱۶۳
- فصل چهارم: دیپلماسی عمومی و تعاملات اقتصادی ج.ا.ایران با عراق ۱۶۵**
- ۴-۱. دیپلماسی عمومی و توسعه همکاری‌های اقتصادی با تقویت «هویت اقتصادی مشترک» ۱۶۶
- ۱-۴-۱. افزایش همگنی میان مکتب و نظام اقتصادی عراق با ج.ا.ایران ۱۷۱

۴-۱-۲. تأثیر بر هویت فعالان اقتصادی عراقی	۱۷۶
۴-۱-۳. تأثیر بر هویت اقتصادی مصرف‌کنندگان عراق	۱۸۰
۴-۲. نقش دیپلماسی عمومی در گسترش تعاملات اقتصادی با تقویت «هویت فرهنگی مشترک»	۱۸۵
۴-۲-۱. دیپلماسی عمومی و ترویج اندیشه همزیستی مسالمت‌آمیز قومیتی	۱۸۷
۴-۲-۲. ارتقای برنامه‌های تقریب مذاهب اسلامی و کاهش پایگاه اجتماعی گروه‌های مذهبی افراطی	۱۹۱
۴-۲-۳. تقویت برنامه‌های آموزش و پاسداشت زبان	۱۹۵
۴-۳. تأثیر دیپلماسی عمومی بر افزایش همکاری‌های اقتصادی با تقویت «هویت سیاسی مشترک»	۱۹۹
۴-۳-۱. خنثی نمودن غیریت‌سازی کشورهای رقیب و کاهش انگاره ایران‌هراسی	۲۰۲
۴-۳-۲. مدیریت گرایش‌های واگرایانه احزاب و گروه‌های مخالف ج.ا.ایران	۲۰۸
۴-۳-۳. کم‌رنگ نمودن تجارب تاریخی منفی نظیر جنگ تحمیلی	۲۱۳
جمع‌بندی	۲۱۸
نتیجه‌گیری و پیشنهادها	۲۲۱
الف) نتیجه‌گیری	۲۲۱
ب) پیشنهادها	۲۳۳
فهرست منابع و مآخذ	۲۳۷
نمایه	۲۵۹

فهرست جدول‌ها

جدول (۱-۱): مؤلفه‌های انواع دیپلماسی عمومی متناسب با نظریه سازه‌انگاری . ۴۰
جدول (۱-۲): نهادهای مجری دیپلماسی عمومی ج.ا.ایران ۷۶
جدول (۲-۲): تفاهم‌نامه‌های همکاری میان دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزشی و پژوهشی ج.ا.ایران و عراق (۱۳۹۲-۱۳۸۳) ۱۰۶
جدول (۱-۳): بازارچه‌های مرزی در مرز دو کشور ایران و عراق ۱۲۳
جدول (۲-۳): مهم‌ترین کالاهای مبادله شده ایران در سال ۱۳۹۷ ۱۲۴
جدول (۳-۳): انواع و مصادیق انگاره‌های متفاوت جامعه عراق با ج.ا.ایران ... ۱۶۲
جدول (۱-۴): دیپلماسی عمومی، تحکیم هویت اقتصادی مشترک و تسهیل روابط اقتصادی ج.ا.ایران و عراق ۱۸۴
جدول (۲-۴): دیپلماسی عمومی، تحکیم هویت فرهنگی مشترک و تسهیل روابط اقتصادی ج.ا.ایران و عراق ۱۹۸
جدول (۳-۴): دیپلماسی عمومی، تحکیم هویت سیاسی مشترک و تسهیل روابط اقتصادی ج.ا.ایران و عراق ۲۱۷

فهرست شکل‌ها

- شکل (۱-۱): همکاری‌های اقتصادی با کشور هدف از منظر سازه‌نگاری ۴۴
- شکل (۲-۱): ده نوع از چالش‌های هویتی در همکاری‌های اقتصادی با کشور هدف ۵۳
- شکل (۳-۱): نقش دیپلماسی عمومی اقتصادی در تحکیم و توسعه تعاملات اقتصادی با کشور هدف ۵۹
- شکل (۴-۱): نقش دیپلماسی عمومی سیاسی در تحکیم و توسعه تعاملات اقتصادی با کشور هدف ۶۴
- شکل (۵-۱): نقش دیپلماسی عمومی فرهنگی در تحکیم و توسعه تعاملات اقتصادی با کشور هدف ۶۸
- شکل (۶-۱): فرایند تنظیم دیپلماسی عمومی در جهت گسترش تعاملات اقتصادی با کشور هدف ۶۹
- شکل (۱-۴): اهمّ ظرفیت‌های اقتصادی برای طرح‌ریزی برنامه‌ها ۱۶۹
- شکل (۲-۴): مهم‌ترین بازیگران اقتصادی در دیپلماسی عمومی ج.ا.ایران در عراق .. ۱۷۰
- شکل (۳-۴): اهمّ ظرفیت‌های فرهنگی برای طرح‌ریزی برنامه‌ها ۱۸۵
- شکل (۴-۴): برخی از مهم‌ترین بازیگران فرهنگی در دیپلماسی عمومی ج.ا.ایران در عراق ۱۸۷
- شکل (۵-۴): اهمّ ظرفیت‌های سیاسی برای طرح‌ریزی برنامه‌ها ۲۰۰
- شکل (۶-۴): مهم‌ترین بازیگران سیاسی در دیپلماسی عمومی ج.ا.ایران در عراق .. ۲۰۱
- شکل (نتیجه-۱): نقش‌های دیپلماسی عمومی اقتصادی در روابط اقتصادی ج.ا.ایران و عراق ۲۲۸
- شکل (نتیجه-۲): نقش‌های دیپلماسی عمومی فرهنگی در روابط اقتصادی ج.ا.ایران و عراق ۲۲۹
- شکل (نتیجه-۳): نقش‌های دیپلماسی عمومی سیاسی در روابط اقتصادی ج.ا.ایران و عراق ۲۳۰

فهرست نمودارها

- نمودار (۱-۱): ترکیب ده شریک تجاری برتر کره شمالی و کوبا در واردات ۴۷
- نمودار (۱-۲): مکان کنسولگری های ج.ا.ایران در عراق ۷۹
- نمودار (۲-۲): پراکندگی جمعیت عراق بر اساس تقسیمات استانی ۸۴
- نمودار (۳-۲): تعداد گردشگران ایرانی که به عراق سفر کرده اند (۱۳۹۷-۱۳۹۰) ۱۰۱
- نمودار (۴-۲): تعداد گردشگران عراقی که به ایران سفر کرده اند (۱۳۹۷-۱۳۹۰) ۱۰۳
- نمودار (۵-۲): تعداد دانشجویان پذیرفته شده عراقی در دانشگاه های ایران (۱۳۹۲-۱۳۸۴) ۱۰۴
- نمودار (۱-۳): رتبه بندی کشورها بر اساس میزان ذخایر اثبات شده نفت (۲۰۲۰) ۱۱۹
- نمودار (۲-۳): رتبه بندی کشورها بر اساس میزان ذخایر اثبات شده گاز (۲۰۲۰) ۱۱۹
- نمودار (۳-۳): روند مبادلات تجاری ج.ا.ایران و عراق جدید (۱۴۰۰-۱۳۸۵) ... ۱۲۱
- نمودار (۴-۳): شش کشور عمده طرف معامله ج.ا.ایران در صادرات غیرنفتی بر اساس ارزش - طی سال ۱۴۰۰ ۱۲۴
- نمودار (۵-۳): شعبه های بانک ملی و بانک همکاری های توسعه ای و سرمایه گذاری منطقه ای اسلامی در عراق ۱۳۰
- نمودار (۶-۳): اولویت برقراری ارتباط عراق با کشورها در نگاه مردم عراق ۱۵۳
- نمودار (۷-۳): تطبیق صادرات ج.ا.ایران به عراق به تفکیک ماه در سال های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ ۱۵۵
- نمودار (۸-۳): تطبیق صادرات ج.ا.ایران به عراق در هفت ماه نخست سال های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ ۱۶۰
- نمودار (۱-۴): شهرهای میزبان مراکز آموزش زبان فارسی ۱۹۶

فهرست تصویرها

- تصویر (۱-۲): افتتاح نمایشگاه عکس ج.ا.ایران در دیاله عراق ۹۹
- تصویر (۲-۲): تعویض سنگ‌های حرم امام حسین (علیه السلام) ۱۱۲
- تصویر (۳-۲): بیمارستان امام زین العابدین (علیه السلام) - کربلا ۱۱۳
- تصویر (۴-۲): ساخت مدرسه طفلان مسلم در شهر مسیب - استان بابل ۱۱۴
- تصویر (۱-۳): نیروگاه برق حیدریه در نجف اشرف ۱۳۳
- تصویر (۲-۳): افتتاحیه گذرگاه عرعر در مرز عراق و عربستان در آبان ۱۳۹۹ ۱۴۷
- تصویر (۳-۳): آتش زدن کنسولگری ج.ا.ایران در بصره در ۲۰ شهریور ۱۳۹۷؛ توسط طرفداران جریان تندرو شیعی «سید احمد یمانی» ۱۴۹
- تصویر (۴-۳): بستن نمایندگی کاله در مرکز استان ذی قار توسط معترضین عراقی در سال ۱۳۹۸ ۱۵۶
- تصویر (۱-۴): شخصیت‌های برجسته اهل سنت عراق که نگاه مثبتی به اربعین دارند ۱۹۴
- تصویر (۲-۴): استمرار روایت‌های ضد ایرانی و کذب الشرقیه از جنگ تحمیلی .. ۲۱۴

«بسم الله الرحمن الرحيم»

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ.

(قرآن کریم. سوره مبارکه النمل/ آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

رسالت و مأموریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام) «تولید علوم انسانی اسلامی» و «تربیت نیروی درجه یک برای نظام» (که در راهبردهای ابلاغی مقام معظم رهبری مدظله تعیین شده) است. اثرپذیری علوم انسانی از مبانی معرفتی و نقش معارف اسلامی در تحول علوم انسانی، دانشگاه را بر آن داشت که به طراحی نو و بازمهندسی نظام آموزشی و پژوهشی جهت پاسخ‌گویی به نیازهای نوظهور انقلاب، نظام اسلامی و تربیت اسلامی به عنوان یک اصل محوری برای تحقق مأموریت خویش بپردازد و براین باور است که علم توأم با تزکیه نفس می‌تواند هویت جامعه را متأثر در مسیر تعالی و رشد قرار دهد.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چهارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل‌ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهره‌مندی از نتایج آن‌هاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب

می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» درواقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است. دانشگاه امام صادق (ع) درواقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام‌عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع) با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آن‌هاست تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که درنهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق (ع) را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت (ان شاء الله).

والله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

مقدمه

همان گونه که ویژگی‌های هویتی جوامع، نقش مهمی در شکل‌دهی و تسهیل تعاملات اقتصادی آن‌ها دارد، چالش‌های اجتماعی و هویتی میان دو کشور نظیر تمایز سبک زندگی اقتصادی، اختلافات تاریخی، تفاوت‌های زبانی، قومی، نژادی، ایدئولوژیک میان دو کشور، ناسیونالیسم شدید، تمایز در انگره‌های بنیادین اقتصادی مانند مکتب و نظام اقتصادی میان دو کشور، تفاوت در عوامل هویتی رفتار تولیدکنندگان، تجار و مصرف‌کنندگان دو کشور نظیر تفاوت در گروه‌های مرجع در جامعه هدف و ...، وجود احساس بیگانگی و دشمنی کشور هدف با کشور مبدأ و ...، «هزینه‌های اجتماعی در مسیر کنش اقتصادی»^۱ را افزایش داده و همکاری‌های اقتصادی میان دو کشور را آسیب‌پذیر می‌نماید.

در این میان، دیپلماسی عمومی به عنوان یکی از انواع دیپلماسی، می‌کوشد تا اهداف دولت مبدأ را از طریق کار با عموم مردم کشور هدف دنبال نماید.

۱. منظور نگارنده از «هزینه‌های اجتماعی در مسیر کنش‌های اقتصادی» عبارت است از «موانع و مخارج مادی و معنوی که به واسطه شکاف‌های هویتی میان کشور مبدأ با کشور هدف، به فعالان اقتصادی کشور مبدأ تحمیل می‌شود». این موانع و مخارج می‌توانند شامل طیفی از واکنش‌های منفی از عدم حمایت از محصولات گرفته تا ایجاد ناامنی برای کارگزاران کشور مبدأ را شامل شود. در واقع این دسته از هزینه‌ها به دلیل مقاومت نیروهای اجتماعی مخالف در کشور هدف بر ضد تعاملات اقتصادی با کشور مبدأ بروز و ظهور پیدا می‌کند.

در واقع دیپلماسی عمومی با استفاده از ابزارهای متعددی نظیر مبادلات علمی و آموزشی، تبادلات شهروندی، کمک‌های توسعه‌ای، دیپلماسی رسانه‌ای، برنامه آموزش زبان و... تلاش می‌نماید تا دیدگاه عموم مخاطبان کشور هدف را با ارزش‌ها و هویت دولت مبدأ، همسو نموده و مخاطبین را به دوستانی شایسته با کشور مبدأ تبدیل نماید. این در حالی است که رویکردهای مرسوم در ادبیات دیپلماسی عمومی، عمدتاً اهداف و روابط سیاسی را به عنوان محور کار خود قرار داده و حتی در مواردی اندیشمندان، کاربرد تجارت را در جهت دستیابی به اهداف مذکور، مفهوم‌سازی نموده‌اند؛ لذا نوشتار حاضر می‌کوشد تا به لحاظ نظری، حوزه کاربرد دیپلماسی عمومی را توسعه داده و در جهت گسترش همکاری‌های اقتصادی مفهوم‌سازی نماید. در این راستا تجارب موفق کشورهایی نظیر چین، برزیل، ژاپن، ج.ا.ایران و کشورهای اروپایی در این زمینه، حکایت از جهانی بودن این الگو دارد که در متن نیز از آن‌ها استفاده شده است.

در عین حال با توجه به اهمیت بومی‌سازی دانش مبتنی بر اقتضائات ج.ا.ایران، تلاش شده است تا الگو و ادبیات مذکور پس از تبیین، در مورد مطالعاتی روابط ج.ا.ایران و عراق پس‌اصدام به گونه‌ای کاربردی، پیاده‌سازی و تشریح گردد؛ زیرا کشور عراق به عنوان یک کشور اسلامی و همسایه، جایگاه مهمی در راهبرد اقتصاد خارجی ج.ا.ایران داشته و تبیین ظرفیت‌های دیپلماسی عمومی تهران در بسط تعاملات اقتصادی با بغداد، به عنوان یک نمونه عملیاتی، می‌تواند مبین فرصت‌های برون‌گرایی اقتصادی ج.ا.ایران از طریق به کارگیری این نوع دیپلماسی باشد.

به طور خاص در مورد مطالعاتی مذکور نیز شایان یادآوری است، در حالی روابط اقتصادی دو کشور پس از سقوط صدام به واسطه موانع اجتماعی و هویتی مانند «مسائل قومیتی عرب و عجم»، «چالش‌های مذهبی به واسطه

گرایش‌های افراطی»، «ترویج ایران‌هراسی توسط رقبای خارجی»، «اعمال نفوذ هواداران حزب بعث در برخی جریان‌های اقتصادی این کشور»، «تفاوت‌های موجود در اخلاق تجاری و سبک زندگی اقتصادی» آسیب‌پذیر بوده است که دیپلماسی عمومی ج.ا.ایران در قبال عراق نوین به عنوان یک ابزار هویت‌ساز، در جهت دستیابی به اهداف سیاسی و گاهی نیز فرهنگی به کارگرفته شده بود؛ حتی گرچه ابزارها و برنامه‌های اقتصادی نظیر «صنعت گردشگری» و «

نیز به عنوان بخشی از دیپلماسی عمومی ج.ا.ایران در مسیر اهداف سیاسی و فرهنگی به کارگرفته شد؛ اما نکته حائز اهمیت اینجاست که این نوع دیپلماسی، در خدمت پشتیبانی و مانع‌زدایی از روابط اقتصادی تهران و بغداد در دوره پساصدام نبوده است؛ البته نه تنها در ارتباط با عراق بلکه به طور کلی تمرکز بخشی به دیپلماسی عمومی در جهت اهداف اقتصادی ج.ا.ایران، در دستور کار تهران نبوده است؛ برای مثال در برنامه پنج‌ساله ششم توسعه، عدم همسویی برنامه‌ها و دستور کار «دیپلماسی عمومی» با «حفظ و گسترش برون‌گرایی اقتصادی» کاملاً مشهود است. بر این اساس، در محور «ج» از ماده ۱۰۵ این برنامه، هدف از اجرای دیپلماسی عمومی، ارتقاء جایگاه ایران در افکار عمومی جهان معرفی شده و همان‌طور که قابل مشاهده است، همسوبا برون‌گرایی اقتصادی نیست. این محور اشعار می‌دارد:

«بهره‌برداری از دیپلماسی عمومی و روش‌ها و ابزارهای نوین و کارآمد اطلاع‌رسانی در گستره فرامرزی برای تبیین دیدگاه‌های ج.ا.ایران در ابعاد گفتمانی و معنایی و ارتقای جایگاه ایران در افکار عمومی جهان» (روزنامه رسمی، ۱۳۹۶/۰۱/۱۲: ۳۰).

این در حالی است که برون‌گرایی اقتصادی تهران به ویژه در ارتباط با بغداد از اهمیت و ضرورت بسیار بالایی برای ج.ا.ایران برخوردار است؛ زیرا اولاً وجود موانعی مانند تحریم‌های بر ضد ایران و همچنین سیاست‌های کلان

اقتصاد مقاومتی، برون‌گرایی اقتصادی را مورد تأکید قرار داده و ثانیاً کشور عراق نیز علاوه بر هویت اسلامی و همسایگی، یکی از شرکای اقتصادی و تجاری مهم ج.ا.ایران به‌ویژه از اواخر دهه ۱۳۹۰ بوده است. به علاوه کشور عراق نقش مهمی را در دور زدن ج.ا.ایران از تحریم‌های یکجانبه آمریکا ایفا کرده است. همچنین ایران و شرکت‌های ایرانی مانند شرکت کاله، زمزم و مپنا سرمایه‌های فراوانی را به عراق برده و در آنجا به فعالیت‌های اقتصادی مبادرت نموده‌اند. علاوه بر این موقعیت ترانزیتی این کشور اهمیت فراوانی در تسهیل صادرات ج.ا.ایران به کشورهایی مانند سوریه، لبنان و اردن دارد؛ این در حالی است که رقبای تهران به‌ویژه آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن مانند عربستان، ضمن تلاش برای بی‌ثبات کردن محیط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی عراق بر ضد ج.ا.ایران، از طریق گسترش موج ایران‌هراسی، سعی می‌کنند روابط اقتصادی خود با عراق را به ضرر ج.ا.ایران گسترش دهند؛ البته اگرچه محصولات ایرانی در حال حاضر دارای مزیت نسبی بالایی جهت صادرات به عراق هستند؛ اما در بلندمدت این قبیل تلاش رقبای ج.ا.ایران می‌تواند در تحدید همکاری‌های ج.ا.ایران با این کشور اثرگذار باشد؛ بنابراین بی‌ثباتی در روابط اقتصادی تهران و بغداد، یکی از شریان‌های حیاتی اقتصاد ج.ا.ایران را با آسیب جدی روبرو ساخته و ضربه سنگینی به اقتصاد ج.ا.ایران و فعالان تجاری ایرانی وارد می‌نماید.

با اوصاف یادشده، از آنجا که، کنش اقتصادی اساساً در بستری از روابط اجتماعی و هویت جمعی شکل گرفته (See: Granovetter, 1985: 481-510) و به علاوه حفظ و گسترش روابط اقتصادی از جمله در مورد مطالعاتی ج.ا.ایران و عراق نیز نیازمند رفع موانع اجتماعی و هویتی موجود است، دیپلماسی عمومی رسالت مهمی در پشتیبانی از تعاملات اقتصادی را بر عهده دارد. به عبارت دیگر دیپلماسی عمومی به عنوان ابزار دولت‌ها برای کاهش فاصله

اجتماعی و هویتی با دیگر ملل، می‌تواند با کاهش انگاره‌های متفاوت با «مردم کشور هدف»، آن‌ها را در حمایت از اهداف اقتصادی «دولت مبدأ دیپلماسی عمومی» ترغیب نماید.

در این میان، اگرچه برخی منابع در ارتباط با این موضوع به چشم می‌خورد؛ اما هیچ‌کدام کاربست دیپلماسی عمومی را حول اهداف و روابط اقتصادی از جمله در مورد مطالعاتی روابط اقتصادی تهران و بغداد مطرح نمی‌کنند. به عبارت بهتر، از یک سو مفهوم دیپلماسی عمومی ابزاری برای دستیابی به اهداف سیاسی و گاهی نیز فرهنگی دانسته شده و پی‌جویی اهداف اقتصادی مورد بحث اندیشمندان این حوزه نبوده است (برای مثال رک. سالیو^۱، ۲۰۲۰؛ اُسیپکا^۲، ۲۰۱۸؛ گورگو^۳ و کوکیوبان^۴، ۲۰۱۶؛ قشقوای، ۱۳۸۹؛ اسنو^۵ و تیلور^۶، ۲۰۰۹) البته فصل شانزدهم «کتاب مرجع دیپلماسی عمومی»^۷ با عنوان «بخش تجارت آمریکا و نقش آن در دیپلماسی عمومی» که توسط «راینهارد» به رشته تحریر درآمده، برعکس نوشتار حاضر، کاربرد تجارت را در جهت دستیابی به اهداف سیاسی مفهوم‌سازی نموده است (راینهارد، ۱۳۹۰: ۵۰۷-۵۲۲). (Also see Seib, 2014)

در این میان لازم به ذکر است که سیف و همکاران (۱۳۹۳) نیز در مقاله خود با عنوان «مفهوم‌شناسی قدرت نرم اقتصادی: توسعه نظریه قدرت نرم متعارف در حوزه اقتصاد»، اگرچه مفهوم «قدرت نرم اقتصادی» را براساس مبانی اندیشه‌ای نای تبیین نموده‌اند؛ اما به نقش دیپلماسی عمومی به عنوان ابزار قدرت نرم در این حوزه پرداخته‌اند. حال آنکه برخلاف اثر مذکور، در نوشتار

-
1. Saliu
 2. Ociepka
 3. Elena Gurgu
 4. Aristide Cociuban
 5. Snow
 6. Taylor
 7. Routledge handbook of public diplomacy

حاضر، داده‌ها از جنس مسائل هویتی بوده و از این رو تبیین سازه‌انگاره از دیپلماسی عمومی در روند تحلیل مورد استفاده قرار گرفته است؛ لذا این امر، نیز بنیان تحلیلی متفاوتی را با بحث مذکور ایجاد می‌نماید.

علاوه بر مباحث نظری، در قسمت‌های کاربردی که به موضوع روابط ج.ا.ایران و عراق می‌پردازد نیز منابع متعددی به چشم می‌خورند که البته در آن‌ها نیز موضوع کتاب حاضر، مورد توجه نبوده است. بر این اساس منابعی که به موضوع دیپلماسی عمومی ج.ا.ایران در قبال عراق پرداخته‌اند در جهت تسهیل تعاملات اقتصادی و حمایت از اهداف اقتصادی ج.ا.ایران در عراق مفهوم‌سازی نشده و اغلب دستیابی به اهداف سیاسی و فرهنگی، از طریق تقویت هویت مشترک با شیعیان و تا حدودی کردهای این کشور را مورد توجه قرار داده‌اند (برای مثال ر.ک. نجفی و خسروی، ۱۳۹۸؛ نوازی و عبادی، ۱۳۹۶؛ امیرزاده و دیگران، ۱۳۹۵؛ عنایتی شبکلائی و دیگران، ۱۳۹۴؛ قناعتیان، ۱۳۹۳؛ رفیع و نیک‌روش، ۱۳۹۲). از سوی دیگر آثاری که معطوف به موضوع روابط اقتصادی تهران و بغداد بوده‌اند نیز عمدتاً ناظر بر شناسایی و حل مجموعه مشکلات هویتی که تعاملات اقتصادی فی‌مابین را تحت الشعاع قرار می‌دهند، نبوده‌اند (برای مثال ر.ک. رستمی و دیگران، ۱۳۹۹؛ رستمی و دیگران، ۱۳۹۸؛ شریعتی، ۱۳۹۶؛ عنافچه، ۱۳۹۳؛ قربانی و صدیق محمدی، ۱۳۸۷).

بنابراین، با عنایت به تأکید رهبر معظم انقلاب در یکم فروردین ۱۴۰۲ در حرم مطهر رضوی بر تنظیم مؤلفه‌های حکمرانی در جهت تقویت اقتصاد ملی؛ و همچنین با توجه به ملاحظات و ضرورت‌های کاربردی و همچنین خلأهای تحقیقاتی در این موضوع، تلاش شده است تا در این اثر، ضمن تبیین ظرفیت‌های دیپلماسی عمومی در گسترش همکاری‌های اقتصادی، این دیدگاه مفهومی در مورد مطالعاتی روابط اقتصادی ج.ا.ایران با عراق

پساصدام، پیاده‌سازی شود.

حال، محتوای این کتاب در چهار فصل تنظیم شده است. فصل نخست، به مبانی نظری اختصاص داشته و در آن تأثیر دیپلماسی عمومی بر روابط اقتصادی در چهارچوب نظریه سازه‌انگاری تبیین شده است. در این میان اگرچه این اثرگذاری در ادبیات نظریه مذکور، صراحتاً تبیین نشده بود؛ اما باتکیه بر منطق ارائه شده در این نظریه، اثربخشی برنامه‌های دیپلماسی عمومی بر همکاری‌های اقتصادی باتکیه بر شواهد، واقعیت‌ها و تجارب کشورهای مختلف، توصیف و تحلیل شده‌اند. در این راستا، نخست نظریه یادشده و گزاره‌های اصلی آن تبیین شدند. سپس هر دو متغیر «دیپلماسی عمومی» و «روابط اقتصادی» از منظر نظریه مذکور تشریح شده و متعاقب آن، تأثیر این نوع دیپلماسی بر روابط و همکاری‌های اقتصادی مفهوم‌سازی گردیده است.

در فصل دوم، دیپلماسی عمومی ج.ا.ایران در عراق نوین در چهارچوب سازه‌انگاری تبیین شده است. بر این اساس، در این فصل ضمن اشاره به سیاست خارجی ج.ا.ایران در عراق پس از سقوط صدام و همچنین ویژگی‌های جامعه‌شناختی کشور مزبور، منابع و ابزارهای دیپلماسی عمومی ج.ا.ایران در این کشور توضیح داده شده است؛ در ادامه آن نیز انواع برنامه‌های تهران در عرصه دیپلماسی عمومی که در عراق اجرا شده‌اند، از نظر خواهد گذشت.

در فصل سوم، روابط اقتصادی تهران و بغداد در دوره پساصدام از منظر نظریه سازه‌انگاری تشریح شده است. در این راستا، ابتدا وضعیت اقتصادی کشور عراق پرداخته شده و سپس با نگاهی سازه‌انگارانه، روابط اقتصادی دو کشور در حوزه‌های تجاری، سرمایه‌گذاری، حمل‌ونقل، مبادلات مالی، بیمه، انرژی و گردشگری بیان گردید. سپس موانع و چالش‌های روابط اقتصادی دو

کشور مبتنی بر رویکرد چهارچوب نظری تحقیق که در فصل اول گزاره‌های آن عنوان گردید، تبیین شده‌اند.

در فصل چهارم نیز، باتکیه بر مطالب و اطلاعات فصول پیشین، نقش‌هایی که دیپلماسی عمومی ج.ا.ایران می‌تواند در جهت کاهش موانع هویتی و اجتماعی موجود در روابط اقتصادی دو کشور ایفا نمایند، توضیح داده شده است. براین اساس، مطابق گزاره‌هایی که در فصل نخست مفهوم‌سازی شده بود، فرصت‌ها، ظرفیت‌ها و آثاری که انواع دیپلماسی عمومی در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بر کاهش شکاف‌های هویتی اثرگذار بر روابط اقتصادی تهران و بغداد دارند، تبیین گردیده است.

فصل اول:

دیپلماسی عمومی و گسترش همکاری‌های اقتصادی با کشور هدف

مقدمه

«چهارچوب نظری»^۱ از مهم‌ترین بخش‌های یک پژوهش علمی به شمار می‌رود که از یک سونقش مهمی در انتخاب متغیرها داشته و متعاقب آن بستر مناسب تحلیل داده‌ها و واقعیت‌ها را فراهم می‌کند؛ بنابراین چهارچوب نظری باید به گونه‌ای انتخاب شود که ضمن پوشش دادن همه یا دست‌کم بیشتر داده‌های موضوع، با آن‌ها نیز سنخیت و تجانس داشته باشد. به عبارت دیگر چهارچوب نظری می‌بایست این قابلیت را داشته باشد که از یک سو هر دو متغیر «مستقل» و «وابسته» و ارتباط آن‌ها با یکدیگر را به خوبی تبیین کرده و از سوی دیگر باید بتواند داده‌های به دست آمده از هر کدام از متغیرها را در یک ساختار منظم و دارای معنا سامان دهد و ارتباط میان آن‌ها را بیان کند.

1. Theoretical framework

حال، از آنجاکه داده‌ها و واقعیت‌های ذکرشده در این نوشتار از یک سواز جنس مسائل بین‌المللی بوده و از سوی دیگر ماهیتی اجتماعی و هویتی می‌یابند، از نظریه سازه‌نگاری برای تحلیل داده‌های مذکور، استفاده خواهد شد؛ زیرا نه تنها این نظریه از جمله نظریه‌های روابط بین‌الملل است بلکه مسائل بین‌المللی را از منظری اجتماعی و با رویکردی جامعه‌شناسانه نگریسته و تحلیل می‌نماید. در همین راستا نظریه مذکور علاوه بر اینکه مفهوم دیپلماسی عمومی را به گونه‌ای مطلوب تبیین می‌نماید، همکاری‌های اقتصادی از جمله در حوزه مطالعاتی روابط اقتصادی ج.ا.ایران و عراق پس‌اصدام را نیز به خوبی پوشش می‌دهد.

با این اوصاف، فصل حاضر می‌کوشد تا ضمن مروری بر نظریه سازه‌نگاری و همچنین معنایابی دیپلماسی عمومی و همکاری‌های اقتصادی خارجی در چهارچوب آن، نقش‌های دیپلماسی عمومی در توسعه همکاری‌های مذکور را تبیین نماید؛ البته لازم به ذکر است، با توجه به اینکه در متون روابط بین‌الملل و همچنین اقتصاد بین‌الملل تا پیش از این، ادبیات چندانی در خصوص تأثیر دیپلماسی عمومی بر همکاری‌های اقتصادی خارجی تولید نشده است، در فصل پیش‌رو، تلاش شده است تا با تکیه بر منطق نهفته در نظریه سازه‌نگاری و همچنین با بهره‌گیری از مثال‌ها، شواهد و همچنین تجارب کشورهای نظیر چین، برزیل، ژاپن، ج.ا.ایران و کشورهای اروپایی، ابعاد این اثرگذاری نشان داده شده و مفهوم‌سازی شود. حال آنکه این امر، شالوده نظری و مبنای تجزیه و تحلیل داده‌ها در فصول بعد در مورد مطالعاتی روابط اقتصادی ج.ا.ایران با عراق نوین، خواهد بود.

۱-۱. نقش مهم انگاره‌ها، هنجارها و ارزش‌های مشترک در روابط بین‌الملل

نسل جدید نظریه پردازان انتقادی در روابط بین‌الملل به دلیل ارتباط موضوعات مورد بحث‌شان با ساخت اجتماعی سیاست بین‌الملل، تحت

عنوان نظریه پردازان «سازه‌انگاری»^۱ نامیده می‌شوند (Price and Rues-smit, 1998: 266). نظریه سازه‌انگاری ازجمله نظریه‌های روابط بین‌الملل است که پس از جنگ سرد رفته‌رفته قوام یافته و تقریباً از اوایل قرن بیستم به طور منسجم مطرح شد. هرچند افراد مختلفی مانند «جان راگی»^۲، «فردریک کراتوچویل»^۳، «نیکلاس اونف»^۴ و «تد هاف»^۵ در عرصه نظریه‌پردازی در سازه‌انگاری تلاش نموده‌اند؛ اما بی‌شک «الکساندر ونت»^۶ اثرگذارترین فرد در این زمینه بوده است. ونت اولین کسی است که در چهارچوب این رهیافت، خود را سازه‌انگار تلقی نموده و با نگاشتن کتاب «نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل»^۷ درصدد دستیابی به یک نظریه کلان روابط بین‌الملل بود (دانش‌نیا، ۱۳۹۴: ۵۵).

نظریه سازه‌انگاری مفروضه‌های هستی‌شناختی خردگرایی در مورد روابط بین‌الملل و سیاست خارجی را به چالش می‌طلبد و اصول و گزاره‌های متفاوتی را ارائه می‌دهد. این نظریه به لحاظ موضوعی با ساخت اجتماعی سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی سروکار داشته (Price and Rues-smit, 1998: 266) و اساساً وام‌دار تحولات فکری در جامعه‌شناسی است (See: Finnemore, 1996). این نظریه برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های تفسیری، گفتمانی و تاریخی استفاده می‌نماید (Rues-smit, 2005: 195).

این رویکرد نظری هرچند در چهارچوب تحلیلی خود عوامل مادی را نادیده نمی‌گیرد؛ اما کانون توجه خود را بر ارزش‌های بین‌الذهانی، انگاره‌ها و هویت‌های برخاسته از آن که دارای سرشتی تکوینی هستند،

-
1. Constructivism
 2. John Ruggie
 3. Friedrich Kratochwil
 4. Nicholas Onuf
 5. Ted Hopf
 6. Alexander Wendt
 7. Social Theory of International Politics

قرار می‌دهد. (ونت، ۱۳۹۲: ۱۹۸) براساس این نظریه پدیده‌ها و واقعیات در روابط بین‌الملل ریشه در انگاره‌ها و ارزش‌های بین‌الذهانی بازیگران بین‌المللی و هویت آن‌ها دارد. به عبارت دیگر، بازیگران بین‌المللی^۱ براساس ارزش‌ها و هویتی که برای خود قائل می‌شوند، رفتار می‌کنند؛ بنابراین در میان گزاره‌های نظریه سازه‌انگاری ارزش‌های مشترک، هویت و منافع و رفتاری که برای کسب منافع مذکور اتخاذ می‌شود، نقش و جایگاهی بسیار مهم دارد.

در این ارتباط، سازه‌انگاران بر این باورند که این انگاره‌ها، ارزش‌ها و ساختارهای معنایی هستند که تعریف می‌کنند، بازیگران چطور محیط خود اعم از مادی و غیرمادی را تفسیر کنند. درواقع، انسان‌ها بر مبنای معناهایی که هر واقعیتی برای آن‌ها می‌تواند داشته باشد، عمل می‌کنند. این معانی، محصول کنش‌های متقابل اجتماعی هستند که در یک فرایند تفسیری، جرح و تعدیل می‌شوند. کنش انسان در جهان، نتیجه تفسیر او از مقولاتی است که با آن‌ها مواجه می‌شود و او کنش خود را براساس تفسیر آن‌ها شکل می‌دهد؛ بنابراین ادراک و معانی نقشی تعیین‌کننده را در روند حیات بشری و متعاقب آن تعاملات اجتماعی ایفا می‌کنند (امام جمعه‌زاده و محمود اوغلی، ۱۳۹۰: ۱۲۶).

هرکدام از معانی می‌توانند با سایر معانی که در حیات انسانی درک شده‌اند، ارتباط داشته باشد. در این میان برخی معانی می‌توانند در نقطه‌ای قانونی‌تر واقع شده و برای سایر معانی نقشی زیربنایی تر داشته باشند. حال آنکه برخی معانی می‌توانند دارای ابعادی محدودتر بوده و در ادامه معانی قانونی‌تر معنا یابند. بر این اساس، می‌توان سلسله‌مراتبی را برای معانی و

۱. بازیگران بین‌المللی مطابق نظریه سازه‌انگاری علاوه بر دولت‌ها، سازمان‌های دولتی و غیردولتی و همچنین گروه‌های اجتماعی را نیز شامل می‌شود که در سطوح مختلف بین‌المللی اعم از منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای اثرگذارند. علاوه بر این خود منطقه نیز می‌تواند به عنوان سازه اجتماعی در مقام یک بازیگر بین‌المللی شناخته شود (عزیزی بساطی، ۱۳۹۱: ۵۹؛ قاسمی، ۱۳۹۰: ۷۸).

انگاره‌ها در نظر گرفت که نشان‌دهنده ساختار ارتباطی میان آن‌ها خواهد بود. این ساختار معنایی را می‌توان نظام معنایی تعریف کرد. درواقع، اگر ادراک، معنا و تصور افراد در یک موضوع، علت رفتار وی را تشکیل می‌دهد، نظام معنایی به عنوان سلسله‌مراتب معانی و انگاره‌های فرد می‌تواند علت مجموعه‌ای از رفتارهای آن را تبیین نماید.

۲-۱. هویت و منافع

در میان گزاره‌های نظریه سازه‌انگاری، هویت نقشی بسیار برجسته‌ترو زیربنایی‌تراز مؤلفه‌های دیگر دارد. براین اساس، نظریه سازه‌انگاری از طریق رهیافت سیاست هویت، تلاش می‌کند چگونگی نقش و تأثیر اجتماعات بین‌الذهانی مانند فرهنگ، مذهب، ناسیونالیسم، قومیت، جنسیت و نژاد در سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی را توضیح دهد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵ الف: ۴۳). حال آنکه این اجتماعات بین‌الذهانی به واسطه ایده‌ها و انگاره‌های مشترک شکل گرفته و این ایده‌ها و انگاره‌ها، به عنوان ساختارهای معنایی، افراد را به یکدیگر پیوند می‌دهند (Price and Rues-smit, 1998: 266). دراین میان هرچند نظریه «سازه‌انگاری» به عناصر مادی در روابط بین‌الملل بی‌توجه نیست؛ اما نشان می‌دهد که نیروهای مادی باید از طریق مفاهیم اجتماعی درک شوند که معنای آن‌ها را برای زندگی انسان تعریف می‌کنند (Hurd, 2008: 301).

حال، هویت به درک هر بازیگراز «خود» در برابر «دیگری» اطلاق می‌شود که در فرایندهای اجتماعی تولید و بازتولید می‌شوند. ونت براین باور است که هویت‌ها و منافع متناظر با آن‌ها ناشی از ادراک بازیگران و تفاسیر آن‌ها از واقعیت‌هاست که این امر نیز در کنش متقابل اجتماعی یاد گرفته می‌شوند. بر این اساس نوع پاسخی که «دیگران» به کنشگران می‌دهند، هویت کنشگران را

شکل داده و تقویت می‌کنند. این فرایند را اصل «ارزیابی‌های انعکاسی»^۱ می‌نامند. براساس این اصل کنشگران خود را به عنوان بازتابی از این که فکر می‌کنند «دیگران» چگونه آن‌ها را می‌بینند یا «ارزیابی» می‌کنند، می‌شناسند؛ یعنی چگونگی بازنمایی‌های «خود» در «آینه دیگران». اگر «دیگری» با «خود» به گونه‌ای برخورد کند که گویی او دشمن است، براساس اصل ارزیابی‌های انعکاسی احتمالاً این باور را در هویت خود در قبال «دیگری» درونی خواهد کرد؛ البته همه «دیگران» به یک اندازه اهمیت ندارند و روابط قدرت و وابستگی، نقشی مهم در این امر دارند (ونت، ۱۳۹۲: ۴۷۸).

ازسوی دیگر، «ارنستولا کلا»^۲ و «شانتال موفه»^۳ براین باورند که همه هویت‌ها به وسیله یک اصل مشترک؛ یعنی تقابل میان درون و بیرون شکل می‌گیرند. در این امر که به «غیریت‌سازی» از آن یاد می‌شود، دو مؤلفه «برجسته‌سازی» و ویژگی‌ها و انگاره‌های خود و مؤلفه «حاشیه‌رانی» و ویژگی‌ها و انگاره‌های رقیب یا دیگری موضوعیت دارد. همچنین غیریت‌سازی بر «منطق تفاوت»^۴ و «منطق یا زنجیره هم‌ارزی»^۵ استوار است. «منطق تفاوت» به ویژگی متکثر بودن جامعه و تفاوت‌های میان نیروهای اجتماعی تأکید می‌کند. این منطق می‌کوشد از راه تأکید بر تفاوت‌ها و به تبع آن اختلافات موجود در عرصه اجتماعی، زنجیره هم‌ارزی و تشابه خود و دیگری را به هم بریزد؛ بنابراین غیریت‌سازی دو کارکرد عمده خواهد داشت که شامل هویت‌یابی خود و متعاقب آن گسست میان خود و دیگری می‌شود (کسرایی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۴۸-۳۴۹).

در این میان، هویت مشترک یا هویت جمعی که در واقع، حاکی از یک

1. Reflected Appraisals

2. Ernesto Laclau

3. Chantal Mouffe

4. Logic of difference

5. Chain of equivalence

«حس تعلق خاطر مشترک» و وجود درک مشترک از «ما» میان اعضای جامعه است، از چهار عنصر اصلی تشکیل می‌شود. «وابستگی متقابل میان اعضای اجتماع»، «سرنوشت مشترک میان افراد مذکور»، «همگنی یا مشابهت اعضای اجتماع» و «خویش‌نهادی در برابر افتراقات» و یا به عبارت بهتر «احترام به تفاوت‌ها» چهار عنصری هستند که میان افراد ایجاد هویت مشترک می‌نماید. وجود این عناصر نقش مهمی در ایجاد و یا تغییر در هویت‌های جمعی و متعاقب آن شکل‌گیری همکاری میان کنشگران دارد. از طرف دیگر، این چهار عنصر، می‌تواند نقش مهمی در ارزیابی و سنجش میزان استحکام پیوندها در هویت جمعی ایفا کند. به زعم ونت اگر بازیگرانی دارای این چهار متغیر باشند، هویتی مشترک پیدا خواهند کرد و متعاقب آن نقش‌ها و منافع مشترکی را برای خود تعریف کرده و براساس آن رفتار می‌کنند. این چهار متغیر نیز ناشی از انگاره‌ها و ارزش‌های بین‌الذهانی در افراد است که در تعامل و کنش متقابل با یکدیگر و به‌طور تکوینی آموخته شده و درونی می‌شود (ونت، ۱۳۹۲: ۵۰۱-۵۳۱).

ازسوی دیگر هویت ریشه در ساختار ادراکی اعضای اجتماع داشته و دیدگاه‌ها، باورها و انگاره‌های مشترک میان آن‌ها، به این ساختار شکل می‌دهد (Rues-smit, 2005: 195). این ساختار می‌تواند از یک سوناظر بر دیدگاه‌ها و آگاهی‌های اقتصادی مشترک بوده و «هویت اقتصادی»^۱ افراد جامعه را برسازد (See: Antonova, 2014: 74-75)؛ و ازسوی دیگر ساختار ادراکی می‌تواند ناظر بر ارزش‌های سیاسی مشترک بوده و مقوم «هویت سیاسی»^۲ باشد؛ و ازسوی دیگر ناظر بر انگاره‌های فرهنگی مشترک بوده که «هویت فرهنگی»^۳ را شکل می‌دهد (See: Bichler & et al, 2020: 313-314).

1. Economic Identity
2. Political Identity
3. Cultural Identity